

# تلویزیون و اثرش بر اخلاقیات فردی و اجتماعی

## الف - تلویزیون و انحراف اندیشه

نویسنده: دکتر رضا مطلوبان استاد جرم شناسی دانشکده حقوق

اگر برنامه‌ای قادر بجلوه آوردن واقعیات و عریان کردن فلسفه زندگی و القای شعور و بینش فرهنگی و بنمود آوردن ارزشهای اخلاقی در تماشاگران نیست، لاقلاً نباید آنچنان عرضه شود که تصنعات و خیال پردازیهارا درخشندگی دهد و براسور غیر واقعی مهر صحنه گذارد و بدینوسیله با جلوه دادن نادرستیها بصورتی حقیقی، باعث اغفال آنان شود و اگر انگیزه‌ها و آرمانهای اجتماعی، فرهنگی، علمی مشترک بین افراد اجتماع را بطریق صحیح استحکام نمیبخشد و زنجیر پیوندهای آنان و نظم و انضباط اجتماعی را استوار نمیسازد، نباید با جلادادن رویدادهای تصنعی و معتبر نمایاندن امور مغایر حسن تفاهم و زیبا نمود دادن پدیده‌های اجتماعی که متزلزل کننده پایه‌های هم بستگی و رشته‌های ارتباط توده مردم است و تحریک کردن انگیزه‌ها و تمایلات خلاف اصول و موازین اخلاقی و بطور کلی بابه‌نمایش در آوردن صحنه‌هایی که مخالف ارزشهای اجتماعی است بر شعور و اندیشه و بینش تماشاگران لطمه وارد سازد و آنان را در طریقی انحرافی رهنمون گردد.

بنابر این موضوع برنامه‌های تلویزیون

۱ - برنامه‌های تلویزیون و ارزشهای اجتماعی

اگر موضوع برخی برنامه‌های تلویزیون (منظور تلویزیون در سطح جهانی است) موزون با روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ای نباشد محققاً مفاهیم و تعابیر و برداشتهایی که توسط عقل و احساسات از آنها صورت بگیرد در جهتی مخالف با مصالح فردی و اجتماعی آن جامعه خواهد بود و با روشهای اصیل آن هماهنگی نخواهد داشت. در نتیجه تضادها و اختلافات و آشفتگیهایی در نظم اجتماعی پدید می‌آید که عامل آن فقط ناسوزنی و عدم هماهنگی برنامه‌ها با افکار و روحیات افراد و ارزشهای آن جامعه است.

اگر در اجتماعی اختلافات فاحش و تضادهای اجتماعی، طبقاتی، اقتصادی، فرهنگی، وابستگیهای میان افراد را دچار اختلال نماید و آشفتگی و ناسوزنی و ناهماهنگی بر روابط موجودشان حکومت کند و حقد و کینه و حسد بر مناسباتشان حاکم باشد، محققاً اثرات برنامه‌ها در افراد چنین اجتماعی بمراتب شدیدتر و قابل ملاحظه‌تر از سایر اجتماعات میباشد.

نتیجه جز انحرافات و بیار آوردن عواقب نا -  
گوار و فجایع ، هدف دیگری نمیتوان از آنها  
انتظار داشت یا اینکه آسوزنده میباشد بطوریکه  
میتوان بر داشتهای بسیار مطلوب از آن کرد  
که برای آینده مفید فایده قرار گیرد .

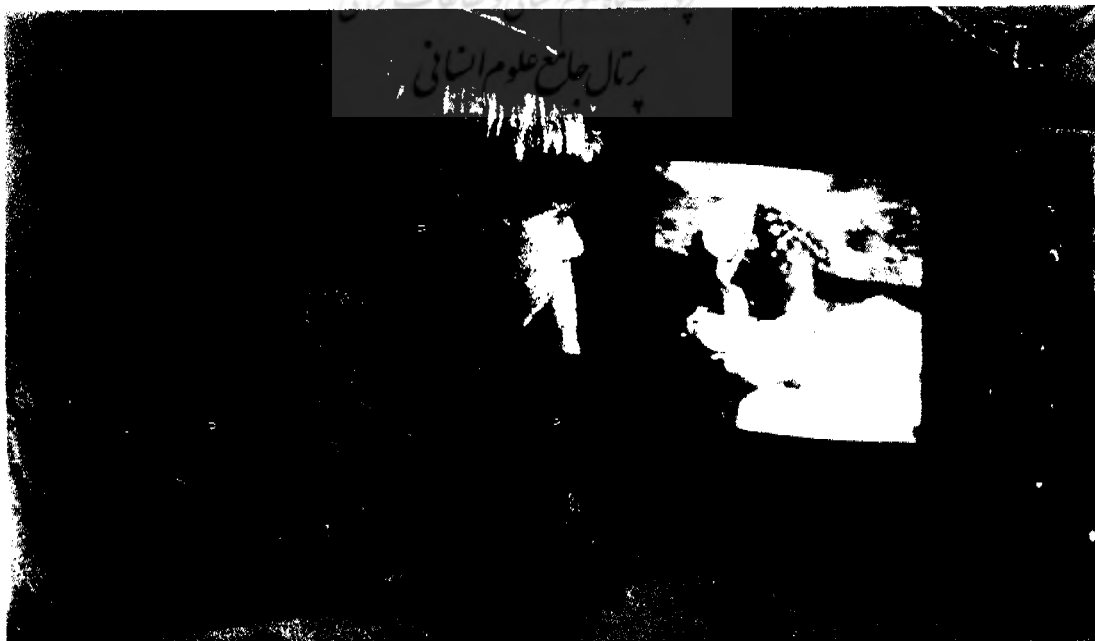
از طرفی یا تماشاگر از شعور و تجربه و  
تعلیم و تربیت برخوردار است یا بیسواد و  
ناپخته میباشد و از واقعیات زندگانی و فلسفه  
آن آگاهی ندارد .

از طرف دیگر چون این اسری است  
مسجل که بین برنامه ها و تماشاگران باعتبار  
وضع و موقعی که آنان از نظر فردی و از  
نقطه نظر جسمانی ، اخلاقی ، روانی ،  
تربیتی . . . و از نظر اجتماعی و روابط وهم -  
بستگیهای موجود دارند ، مناسبات نزدیک  
یا دور برقرار میشود لذا با توجه به برنامه های  
بدو خوب و تماشاگران آشنا بر موز زندگانی  
و ناآگاه از حقایق میتوان اثر برنامه ها را بر

باید با وضع افراد هر اجتماع و باسنن و آداب  
و رسوم آن اجتماع تا حدودی منطبق باشد ،  
در غیر اینصورت نتایج و عواقبی بسیار ناگوار  
و نا مطلوب بیار میآورد که نمونه هایی از  
دستبردهای پی در پی بیانکها ، دزدی با  
کاسیون و نقاب ، زدوخوردهای با مشت و  
لگد و چوب و غیره در کوچه های میان بچه ها ،  
تحریک خواسته های جنسی و منجر شدن  
آنها برخی تجاوزات انحرافات جنسی . . . .  
که نمونه های آن در کشورهای جهان دیده  
می شود از آن زمره است .

#### ۲ - برنامه تلویزیون چگونه اثری میبخشد

اصولا در باره برنامه های تلویزیونی  
کشورهای جهان باید بگوئیم یا برنامه دارای  
موضوعات و صحنه های بد آموز است که در



آنان بطریق ذیل خلاصه کرد :

**الف - برنامه خوب - تماشاگر فهمیده =**

**اثر مطلوب :**

می‌رود که مفید فایده نیز واقع گردد و تماشاگر ناپخته را پخته نماید و بر دانسته‌هایش بیفزاید و در شناخت رموز زندگی و پی بردن به واقعیات راهنمایی‌های گرانقدری بکند که در آینده بخوبی از آنها بهره‌برداری نماید .

**ج - برنامه بدآموز ، تماشاگر فهمیده =**

**اثری زبان :**

اگر برنامه‌ای از هر جهت خلاف مصالح اخلاقی و شئون اجتماعی باشد غالباً بر افراد پخته و آموخته نمیتواند اثرات نامطلوبی بگذارد و باعث انحراف و ناسازگاری آنان گردد زیرا تماشاگران فهمیده و آشنا بفرسافه زندگی و دقایق آن دارای بینشی وسیع میباشند که همه چیز را با دیدی عمیق نه سطحی مورد قضاوت قرار میدهند . بنابراین برنامه هر قدر هم گمراه کننده باشد باز نمیتواند تماشاگر سالم و آگاه را گمراه سازد .

بدیهی است که گاهی برخی اتفاقات و پیش آمدها که افراد را با مشکلات و معضلات بسیار روبرو میکند باعث تضعیف روحیه و سستی اراده کلیه آنها و حتی تحصیل کرده‌ها و کسانی که از پختگی و آگاهی کامل برخوردار دارند ، میشود . نهایت مردمان فهمیده و واقع بین بعلت برخورداری از نیروی بیشتر ، در برابر عوامل مختلف بهتر قادر به مقاومت و پایه‌داریند و ایستادگی بیشتری از خود نشان میدهند . ولی با وجود این باید اذعان کرد که اگر عوامل بسیاری همه با هم دست بدست یکدیگر بدهند ممکنست حتی در نیروی اراده چنین افرادی هم تزلزل پدید آورند . در چنین مرحله‌ای برنامه بدآموز حتی بسر تماشاگر فهمیده اثر نامطلوب میگذارد زیرا در

ابتدا باید دانست که برنامه خوب چیست تا اگر تماشاگری فهمیده بدیدن آن نشست بتواند بنحو نیکوئی از آن بهره‌برداری نماید ؟ گرچه صحبت از برنامه خوب خارج از بحث ماست ولی بطور خلاصه میتوان گفت که برنامه خوب وسیله رشد فرهنگ و اخلاق و عامل باارزش انتقال و تبیین اندیشه‌های درست و مفاهیم صحیح فلسفه زندگی و نمایاننده راه واقعی از نادرست و روش نیک از ناپسند و مرسوم میباشد . این چنین برنامه‌ای بین تماشاگر با اجتماع و افراد هم بستگیهای صمیمانه ایجاد میکند و در رفع اختلافات و تضادها سلاهی مؤثر بشمار میرود زیرا افکار و نیت نیک را پرورش میدهد و بر توسعه اندیشه‌های انسانی و صفات عالی و خصائص نیکو میافزاید .

بدیهیست که مشاهده چنین برنامه‌ای بر کلیه تماشاگران یا لاقبل بر افراد فهمیده و آگاه اثراتی نیکو و ارزنده باقی میگذارد .

**ب - برنامه خوب ، تماشاگر ناپخته =**

**اثر مطلوب یا لاقبل بی ضرر :**

اگر برنامه‌ای که کلیه موازین اخلاقی ، اجتماعی در آن رعایت شده و در جهت پرورش روح و توسعه استعدادها بوجود آمده است بمعرض نمایش گذارده شود ، هر چند هم که تماشاگر بحقایق اجتماعی و واقعیات ناآشنا باشد باز نه تنها تأثیرات زبان‌بخشی بر ذهن و روح او باقی نمیگذارد بلکه امکان بسیار

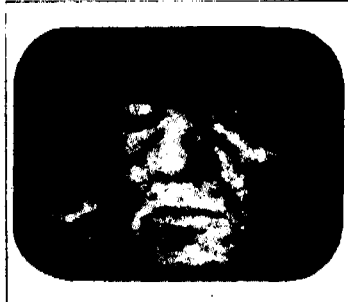
شرایط مناسبی به مشاهده آن نپرداخته است تا ازگزندش مصون بماند .

د - برنامه بدآموز ، تماشاگر ناپخته =

انرژیان بخش

اگر مناسبات اجتماعی تماشاگر با سایر افراد جامعه سست و همبستگی و روابط متکی بر تضادها و اختلافات طبقاتی ، فرهنگی ، اجتماعی .... باشد و ازطرفی فضای اندیشه تنگ باشد و فقدان قدرت لازم شعور و عدم توانائی درک واقعیات هم برآن افزوده شود آنچه را که در برنامه تلویزیون مشاهده نماید موافق طبع ، عقل و احساس خود مییابد و با طبیعت و سرشت خود هم گام و هم آهنگ میبیند و در نتیجه کلیه رفتارها و اعمال و گفتار موجود در برنامه در حقیقت بازگوکننده واقعی و اصیل مقاصد و نیت و افکار ، عواطف و احساسات او جلوه گر میشود .

این پیوستگی عقلانی و احساسی بین درون با آنچه که مشاهده میشود تماشاگر را براهی سوق میدهد که موضوعات مختلف برنامه باو عرضه میکنند . در این صورت



برنامه‌ای که می‌تواند وسیله انتقال و بیان مفاهیم و واقعیات زندگی بصورت شایسته و طریقه‌ای صحیح باشد وسیله اغوا و فریب تماشاگر میشود و با تغذیه مسموم کننده خود آخرین اثرات بازمانده ارزشهای اخلاقی را از میان میبرد و شعور و احساس تشخیص‌دهی و خوبی را از او زایل میسازد .

متأسفانه بطور کلی در اعم کشورهای برخی برنامه‌ها بویژه فیلمهای سینمایی بسیار بدآموزند و تماشاگران از طبقه ناپختگان و ناآشنایان بدقایق زندگی واقعی میباشند .

این برخورد تماشاگران بی تجربه و ناآگاه با برنامه‌های بدآموز و زیان‌بخش ، عواقب ناگواری ببار میآورد که یکی از آنها آفرینش بزهکاری است .

#### ۴ - برنامه‌های بدآموز و گمراه کننده

جرم‌شناسان معتقدند که جنبه‌های نامطلوب برخی برنامه‌های تلویزیونی دارای اثرات بسیار شومی میباشد بطوریکه میتوان از آنها بعنوان آفتهای روانی یاد کرد .

برنامه‌های زیان‌بخش که باعث انحراف تماشاگران بطریقی که ذکر شد ، میشود معمولا آنهایی است که نحوه عمل بزهکاران را با جزئیات نشان میدهد ، رفتار و کردار بزهکارانه را در معرض دید دیگران میگذارد، میل به ثروتمند شدن و بدست آوردن وسایل گرانیقیمت و زینتی را در نهادها بیدار میکند ، روش رسیدن به تمنیات ضمیر اخلاقی را بیک طریق سهل و ساده بنمایش درمیآورد ، اعمال جنسی را تحریک مینماید و در نتیجه افراد را بطرف تجاوزات و سوءقصد های اخلاقی میراند، شهامت و جسارت، اجرای اعمال ناصواب و

عملی نمودن تصمیمات نادرست را تلقین میکند و با قلب حقایق ، افکار نابهنجار و غلط را توسعه میدهد ، اعمال ضد اجتماعی را تشویق مینماید و روح تبهکاری را در نهادها میپروراند ، حسادت و حقد و بغض را رشد میدهد و کینه‌ورزی و انتقام‌جویی را ترغیب و توصیه میکند ، طریقه قتل و آدمکشی و دزدی‌های مختلف را میآسوزد، فساد و تباهی و انحطاط اخلاقی را بصورت پسندیده و شایسته جلوه‌گر میسازد ، بدیها را نیکو و نیکه‌سرشتیها را بد طبیعتی نشان میدهد ، موفقیت را در شقاوت و زشتکاری و خشونت بیان میکند ، افراد را به کارهای جسورانه و خارق العاده که منجر به رفتارهای بزهکارانه میشود وامیدارد و حس تقلید را در آنها بیدار میکند و بطور مداوم میگستراند ، بتلقین بی بند و باری و تنبلی و لگردی میپردازد و بر بی‌احساسی و سنگدلی و ستمگری مهر صحه میگذارد ، حس ماجراجویی را تقویت میکند و جسارت و گستاخی را با ارزش وانمود میسازد اسبیل انحرافی و خواسته‌های ضد اجتماعی را مطلوب و شایسته بشمار میآورد ، موازین اخلاقی را پایمال مینماید و کششها و گرایشهای ناسازگاری را میپروراند .

پاره‌ای از برنامه‌های تلویزیونی که مانند نیلم‌های سینما مشبع از صحنه‌های تکراری صغیرگلوله‌های تپانچه ، هفت تیر ، مسلسل ، تفنگ یا مشت‌زنی و بزنی و عملیات قهرمانی و کاراته .... میباشد در آشفته کردن افکار و به تباهی واداشتن تماشاگران بسیار مؤثر است . این برنامه‌های خطرناک و بدآموز افراد را بی‌عنایات راهنمایی و ترغیب میکند و افکار نادرست و فاسد را در روح و روان آنان میآفریند .

چنین برنامه‌هایی مخصوصاً مسموم کننده فکر جوانان است زیرا گاهی در اخلاقیات آنان بطور قاطعی می‌تواند نقش اساسی ایفا نماید و با نشان دادن موضوعات و صحنه‌های بدآموز و گمراه کننده می‌تواند افراد را بدستگال، بدنهاد، کژطبع و کژخو بار آورد و از مسیر عادی زندگانی منحرف نماید.

بنابراین برنامه‌های بدآموز مؤثرترین وسیله ضربه زنده بر مبانی اخلاقی، اصول اجتماعی، مصالح خانواده‌ها و صفات عالی انسانی می‌باشد.

#### ع - انتقال مفاهیم غلط

زبان موضوعات برخی برنامه‌های تلویزیونی در کشورهای جهان مخصوصاً در آن است که مفاهیم و تعبیر غلط و گمراه کننده‌ای را بسط تماشاگران خود منتقل میکند و ارزشها و مفاهیم واقعی اجتماعی، فرهنگی، علمی... را دگرگون جلوه میدهد. تحمیل این مفاهیم نادرست و منحرف کننده بوسیله این برنامه‌ها یا برداشتهای غلط و غمیر واقعی تماشاگران از آنچه که دیده‌اند لطمه مستقیمی است که با افراد و جامعه وارد میشود.

یکی از موضوعاتی که شاید بیش از همه اثربخش است و نفوذش بسیار سریع میباشد مربوط به جامهای پیاپی مشروباتی است که هنرپیشگان در برنامه‌های مختلف بویژه فیلمهای سینمایی مینوشند، بدون آنکه از حال طبیعی خارج شوند. تماشاگر بخوبی میبیند که افراد گاهی جامهای متوالی و زمانی بطریهای مشروب را بدون هیچگونه اشکالی براحتی و سهولت تمام سر میکشند و در عین

حال بخوبی خود را کنترل میکنند و یا آنچه را که مایل به انجامند بصورتی بایسته به پایان میرسانند و بر کلیه مشکلات فائق می‌آیند و از همه خطرات با پیروزی کامل میگذرند، گاهی فردی معمولی برای آنکه

بتواند بموفقیت کامل نائل شود ابتدا بسط مشروب پناه میبرد و با نوشیدن چند لیوان بی‌درپی نیروی خارق‌العاده و عزم راسخ را در خود ایجاد مینماید و بدینسان خود را

آماده نبرد با موانع میکند و با ضربه بسط مشکلات عملاً هم‌نشان میدهد که بوسیله این روش و صحیح است که میتوان پیروز شد. یعنی بدین طریق تفهیم میکند که هر کس مایل به موفقیت و پیروزی است باید از این

راه اقدام نماید و آنچه را که میبیند بیاموزد و تبعیت و تقلید کند.

محققاً این جنبه‌های زیان‌آور برنامه‌ها و قسمتهای شبیه اینگونه صحنه‌های مشروب خواری از عوامل مؤثر انحراف افراد و اغفال آنان برای سقوط در ورطه الکلیسم است که در نتیجه بعواقب ناگواری که همیشه الکلیسم ایجاد میکند، ختم میشود.

جنبه زیان‌آور دیگر برخی برنامه‌های تلویزیونی که انتقال دهنده مفاهیم غلط است

عادی جلوه دادن آدم‌کشی، بی‌اهمیت نمایاندن خشونت و تجاوز و ناچیز قلمداد کردن سوءقصد‌های مختلف، کلاه برداریها،

دزدیها، راهزنیها، تجاوزات گوناگون..... میباشد که در واقع افراد را بقتل و دزدی و خشونت و تجاوز تشویق مینماید.

اگر برنامه‌ای انحراف زنان را ناچیز



بعلت آنکه مطبوعات در ایجاد جرم نقشی اساسی ایفا میکند ، ابتدا حملات بسیار شدیدی علیه آن آغاز شده بود ولی با وجود آمدن تلویزیون ، این حملات رویکاهش نهاد و بعلت اثرات بسیار نامطلوب تلویزیون که از حد مطبوعات نیز گذشته است ، سیل حمله به این پدیده برگشت و هدف شدیدترین انتقادات و اعتراضات قرار گرفت . (۱)

این جرم شناس معتقد است که سینما و تلویزیون بعلت تصویرهایی که دارند از سایر پدیده ها محرک تر و مؤثرترند . (۲)

(دنباله این مقاله جالب را در شماره بعد ملاحظه فرمائید)

- 1 - Sutherland, « Principes de Ciminologie» P230  
2- Ibid. P230

جلوه دهد ، تجاوزات مردان را امری عادی قلمداد کند ، فساد و تباهی اخلاقی را بی اهمیت وانمود سازد ، محققاً قبح و زشتی اعمال بتدریج از نظر تماشاگر محو میشود و روحیات و افکار مردم در برابر زشتکاریها بکلی دستخوش دگرگونی میگردد .

بهین جهت یکی از خطرات بزرگ تلویزیون که تماشاگر را مورد تهدید قرار میدهد از یکسو مربوط به موضوعاتی است که با فرهنگ جامعه و روحیه و اندیشه افراد آن تطابق ندارد و باعث انحراف میشود . و از سوی دیگر مربوط به مسائل و مباحثی است که از نظر اخلاقی صدسات بزرگی به بینندگان وارد میسازد و قدرت اخلاقیشان را تضعیف میکند و آنان را در ورطه آلودگی سقوط میدهد . Sutherland ساترلند مینویسد کسه